

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

تفاوت فراوان

میان

صحابه و امامان علیهم السلام

۲۵ مهر ۱۳۸۶

۵ شوال ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴾^(۱).

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

پدیده

به خواست خداوند متعال قصد داریم در ادامه سلسله مباحث تفسیر آیات امامت و ولایت، موضوع بسیار مهمی را بحث و بررسی نماییم. این موضوع سرمنشأ یکی از اساسی ترین اختلافات بین فریقین (شیعه و سنی) است و چیزی نیست جز مسأله « عدالت صحابه » .

علمای اهل سنت معتقدند اصحاب پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همگی عادلند و به اعمال و اقوال ایشان می توان تمسک کرد تا جایی که تقریباً همه فرق اهل سنت، بسیاری از احکام شرعی خویش را به افعال و اقوال صحابه مستند

۱- سوره سجده، آیه ۲۴ .

می‌کنند. برای اهل سنت در ظاهر هیچ تفاوتی بین سلمان فارسی، یار صدیق پیامبر ﷺ، و ابو هریره دروغ پرداز حاضر در جبهه مخالف پیامبر ﷺ، وجود ندارد و هر یک از آنها که مدعی شود سخنی که به زبان آورده، کلام رسول الله ﷺ است، نه تنها از او می‌پذیرند که در احکام شرعی به آن استناد هم می‌کنند؛ البته همان‌گونه که بیان شد اینان فقط در ظاهر عدالت صحابه را پذیرفته‌اند و الا در بسیاری از موارد از جمله مسئله امامت و خلافت، لا اقل موضوع این بود که چون دو گروه از صحابه، که همگی عادلند، با هم تعارض می‌کنند کار به تساقط و ترک نظر هر دو طرف منجر شود و باید سراغ أدله دیگر بروند که تاریخ چنین مسأله‌ای را گزارش نکرده است و همین مسأله ثابت می‌کند که اهل سنت همه جا عدالت صحابه را قبول نکرده‌اند.

در مقابل، مکتب شیعه با بهره‌گیری از تعالیم رسول مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت مطهر ایشان علیهم‌السلام صرف صحابه بودن را معیار و مناط عدالت صحابه نمی‌داند بلکه عملکرد آنها و تعبد ایشان به احکام شرع مقدس اسلام و التزام به اوامر نبی مکرم ﷺ را ملاک عدالت صحابه می‌داند؛ بنابر این اگر یکی از صحابه مرتکب زنا شود یا شرابخواری کند از دایره عدل خارج شده و قدم در وادی فسق می‌گذارد. به هر حال از دیدگاه شیعیان صحابه رسول الله ﷺ هر قدر عادل باشند و هر مقدار هم که به پیامبر ﷺ نزدیک باشند تا مهر عصمت و تأیید الهی در کارنامه ایشان نباشد، کلامشان مستند حکم شرعی قرار نمی‌گیرد حتی اگر گوینده سلمان فارسی، یا ابو ذر غفاری باشد. خلاصه اینکه اگر روایتی از طریق صحابه نقل شود ولی در نهایت به پیامبر ﷺ نرسد، تنها به عنوان یک

خبر به آن می‌نگرند و ارزش فتوایی ندارد. همین مسأله عیناً در مورد روایاتی که از دیگر معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده هم جاری است.

عدالت صحابه و ثمرات آن؛

آثار و ثمرات فراوانی بر مسأله عدالت صحابه مترتب می‌شود که به عنوان مثال به چند نمونه از این آثار و ثمرات اشاره می‌کنیم.

الف - پذیرش شهادت صحابه؛

بر اساس پذیرش عدالت صحابه و قائل شدن به این که همه اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم عادل هستند، باید هر آن چه را که به عنوان شهادت از ناحیه صحابه مطرح می‌شود بدون هیچ شک و تردیدی پذیرفت؛ زیرا شهادت عادل در محکمه و دادگاه مورد استناد قرار می‌گیرد و پذیرفته می‌شود؛ بنابراین اگر صحابه به موضوعی شهادت بدهند باید آن شهادت را بی‌درنگ پذیرفت.

در رابطه با ثمره فوق می‌توان به این مثال اشاره نمود که اگر کتب تاریخی را مورد جستجو قرار دهیم و ببینیم که دو نفر از صحابه به امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در روز غدیر به وسیله رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شهادت داده باشند، باید این شهادت و گواهی را بدون هیچ عذری پذیرفت و هیچ بهانه‌ای برای تخلف از این فرمان وجود ندارد. ولی با مراجعه به تاریخ می‌بینیم با وجود اینکه تعداد قابل توجهی از صحابه بر این امر شهادت داده‌اند اما داعیه داران عدالت صحابه به این شهادت‌ها توجه نمی‌کنند و بر خلاف آن عمل می‌کنند.

ب - عدم بررسی روایات صحابه؛

ثمره دیگر پذیرفتن عدالت صحابه این است که باید روایتهایی را که صحابه از رسول الله ﷺ نقل می‌کنند بدون اندک درنگی پذیرفت و هیچ فحص و بررسی در رابطه با صحّت و سقم آنها ننمود؛ زیرا همه عقلاء خبر عادل را می‌پذیرند. بر این مبنا باید حدود پنج هزار روایتی که ابو هریره از رسول الله ﷺ نقل می‌نماید را بدون هیچ تأملی پذیرفت!!

ج - چشم پوشی از اعمال خلاف شرع صحابه؛

پذیرش عدالت صحابه به طور مطلق مستلزم این است که تمام افعال و اعمال صحابه موافق شرع باشد و هیچ فعل مخالف شرعی از آنان صادر نشده باشد؛ زیرا آنان عادل هستند و از انسانهای عادل هیچ عمل خلاف شرعی صادر نمی‌شود.

بر این مبنا اگر کتب تاریخی را مورد بررسی قرار دهیم و دریابیم که در میان صحابه افرادی بودند که مرتکب زنا شدند یا شرابخواری و قمار می‌کردند ناگزیر باید یکی از سه گزینه زیر را پذیرفت؛

- ۱ - اعمال خلاف شرع آنان با عدالت منافات ندارد!!
 - ۲ - این اعمال، نسبتهای ناروایی است که به آنان داده‌اند.
 - ۳ - هر کس که عمل خلاف شرع انجام دهد، عادل نخواهد بود که ظاهراً این بهترین گزینه است و اعتقاد شیعه هم بر این مبنا استوار است.
- ثمرات دیگری نیز بر مسأله عدالت صحابه مترتب می‌شود که انشاء الله در فرصتهای دیگر آنها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

تبلیغات مسموم و هاپیان :

امروزه شیعیانی که برای انجام مناسک حج به مکه مکرمه و مدینه منوره مشرف می‌شوند با جزوه‌های فارسی روانی مواجه می‌شوند که در آنها شبهاتی را در رابطه با عقاید حقه شیعه القاء می‌کنند؛ یکی از شبهاتی که در این جزوات مطرح می‌شود و در رابطه با آن بسیار مفصل سخن گفته‌اند مسأله عدالت صحابه می‌باشد. در این جزوات به شیعیان اعتراض می‌کنند که چرا شما عدالت صحابه را

نمی‌پذیرید؟ چرا قائل به فسق آنها هستید و آنان را لعن و نفرین می‌کنید؟

پاسخگویی به این شبهات نیاز به بیان مقدماتی دارد که انشاء الله پس از ذکر این مقدمات در آینده به صورت اساسی و مفصل این موضوعات را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

مقدمات بحث؛

برای اینکه بهتر بتوانیم موضوع عدالت صحابه را مورد بررسی قرار دهیم، اشاره‌ای گذرا به مباحث جلسات گذشته می‌نماییم.

الف - تأمل در آیات ولایت؛

در جلسات گذشته از آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾^(۱).

۱- و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند. سوره سجده، آیه ۲۴.

به نتایجی دست یافتیم از جمله این که :

- ۱ - منصب، مقام و جایگاه امامت محتاج به جعل و نصب الهی است، و با انتخاب گروهی این منصب به کسی تعلق نمی‌گیرد.
- ۲ - امامت مجعول به جعل الهی است و ثمره آن هدایت تکوینی می‌باشد.
- ۳ - تفویض و واگذاری این مقام، منحصرأ در دست ذات اقدس پروردگار است و آن را به خواصی از بندگان شایسته خود اعطا می‌نماید، خداوند متعال مقام امامت را به همه بندگان و حتی به همه شایستگان هم نمی‌دهد.
- ۴ - کسانی که به این مقام می‌رسند، قادر به هدایت تکوینی عالم خلقت هستند، و خداوند سبحان امور تکوینی آفرینش را به آنان تفویض نموده است؛ به عبارت دیگر، آنان قیوم، نگهبان و تأثیر گذاران عالم آفرینش هستند و آنان کسانی نیستند جز حضرات معصومین علیهم‌السلام.

ب - عصمت ائمه اطهار علیهم‌السلام؛

نکته دیگری که نباید آن را از نظر دور داشت این است که ائمه اطهار علیهم‌السلام دارای مقام عصمت هستند و از هر گونه لغزش، خطا و انحراف مصونیت دارند.

ج - شناخت صحیح از مقام امامت؛

مقدمه دیگری که برای ورود به موضوع فعلی به آن نیاز داریم این است که، باید اطلاع درست و صحیحی از مقام و جایگاه امام علیه‌السلام و امامت داشته باشیم؛ یعنی باید بدانیم علما و متکلمین برجسته شیعه بر اساس آیات و روایات چه برداشتی از مقام امام علیه‌السلام داشتند و آنان را دارای چه ویژگی‌های می‌دانستند. اگر این مطلب کاملاً برای ما روشن گردد می‌توانیم بهتر به نقد و بررسی آراء و

نظرات مخالفان بپردازیم.

د - مقام ائمه عليهم السلام در بیان ثامن الحجج عليه السلام؛

ریشه تمام اختلافات بین مسلمانان به این مسأله باز می‌گردد که عده‌ای در برابر نصّ قطعی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ایستادگی کردند و آن را نپذیرفتند و پیروان آنها در دوران بعد از آنان می‌خواستند تمام اشتباهات و انحرافات صحابه صدر اسلام را توجیه و تصحیح نمایند؛ بنابر این ما باید نخست به جایگاه، شأن و مقام ائمه اطهار عليهم السلام آگاه گردیم. بدین منظور به قسمتهایی از روایتی مفصل که بسیار مهمّ است اشاره می‌نماییم.

«كُنَّا مَعَ الرَّضَا عليه السلام بِمَرْوٍ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدَمِنَا فَأَدَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عليه السلام فَأَعْلَمْتَهُ خَوْضَ النَّاسِ فِيهِ فَتَبَسَّمَ عليه السلام؛

همراه امام رضا عليه السلام در مرو بودیم، در آغاز ورود خود، روز جمعه در مسجد جامع گرد آمدیم و درباره امر امامت که مورد اختلاف فراوان مردم بود گفتگو کردیم و من به حضور مولای خود امام رضا عليه السلام شرفیاب، شدم و نظرات مردم در امر امامت را به عرض ایشان رساندم، ایشان تبسّمی کردند.

ثمّ قال: يا عبد العزيز جهل القوم و خدعوا عن آرائهم، إنّ الله عزّوجلّ لم يقبض نبيّه صلی الله علیه و آله و سلم حتّى أكمل له الدّين وأنزل عليه القرآن فيه تبيان كلّ شيء، بيّن فيه الحلال و الحرام و الحُدود و الأحكام و جميع ما يحتاج إليه

النَّاسَ كَمَا قَالَتْ عَزَّوَجَلَّ: ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾^(۱)؛

سپس فرمودند: ای عبدالعزیز! این مردم نادانند و در رأی و دین خود فریب خورده‌اند. به راستی خداوند عزوجل جان پیامبر ﷺ خود را نگرفت تا دین را برای او کامل کرد و قرآنی بر او نازل کرد که شرح هر چیزی در آن است؛ حلال و حرام و حدود و احکام و آن چه مردم بدان نیاز دارند همه را در آن بیان کرده و فرموده: (ما در این کتاب چیزی را فروگذار نکردیم).

وَأَنْزَلَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَهِيَ آخِرُ عَمْرِهِ ﷺ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۲) وَأَمْرَ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ ... وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عِلْمًا وَإِمَامًا وَمَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْتَهُ ، فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكْمَلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَمَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ ؛

در سفر حجّة الوداع که آخر عمر پیامبر ﷺ بود [خداوند این آیه را] نازل فرمود: (امروز دین را بر شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما پسندیدم) [پس] امر امامت از کمال و تمام دین است ... پیامبر ﷺ را برای آنها رهبر و پیشوا ساخت و از چیزی که مورد نیاز امت باشد صرف نظر نکرد تا آن را بیان نمود، پس هر که گمان برد که خدا دینش را کامل نکرده است

۱- سوره انعام، آیه ۳۸.

۲- سوره مائده، آیه ۳.

کتاب خدا را رد کرده است و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است .
 هل يعرفون قدر الإمامة ومحلّها من الأُمَّة فيجوز فيها اختيارهم؟! إنّ
 الإمامة أجلُّ قدراً وأعظم شأنًا وأعلى مكاناً وأمنع جانباً وأبعدُ غوراً من
 أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بأرائهم أو يقيموا إماماً باختيارهم ؛
 آیا قدر و موقعیت امامت را در میان امت می دانند تا اختیار و انتخاب
 آنان در آن روا باشد؟! به راستی امامت اندازه ای فراتر و مقامی والاتر
 و موقعی بالاتر و آستانی منیع تر و عمقی بیشتر از آن دارد که مردم با
 عقل خود بدان رسند یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند یا به انتخاب
 خود امامی بگمارند .

امام رضا علیه السلام در این فراز از روایت، امامت را به امری موزون که قابل وزن
 کردن است تشبیه می نمایند و می فرمایند، امر امامت آن قدر سنگین است که
 کسی یارای حمل و وزن کردن آن را ندارد چه رسد به اینکه بتواند کنه مقام آن را
 درک کند و یا در مورد انتخاب و انتصاب آن تصمیم بگیرد. سپس منزلگاه و
 جایگاه امام علیه السلام را بسیار بالا (طولی) و بسیار دور از دسترس (عرضی) بیان
 می کنند، که غیر قابل دسترسی است. امامت همچون اقیانوس بی کرانی است که
 انتها و عمق آن برای ما روشن نیست می باشد، و هر چه در آن حرکت کنیم
 عظمت و گستردگی آن بیشتر ما را به وحشت می افکند و هر چه در اعماق آن غور
 کنیم در می یابیم که هرگز نمی توانیم به عمق آن دست یابیم .

« إنّ الإمامة خصّ الله عزّوجلّ بها إبراهيم الخليل بعد النبوة والخلة مرتبة
 الثالثة وفضيلة شرفه بها وأشاد بها ذكره ... ثمّ أكرمه الله تعالى بأن جعلها في

ذُرِّيَّتِهِ أَهْلَ الصَّفْوَةِ وَالطَّهَارَةِ ... فَصَارَتْ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْأَصْفِيَاءَ الَّذِينَ آتَاهُم
اللَّهُ الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ؛

امامت مقامی است که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه مقام نبوت و دوستی خدا را پشت سرگذارد بدان رسید؛ این امامت سومین درجه و فضیلتی بود که خدا [ابراهیم علیه السلام] را [بدان مشرف کرد و نامش را به وسیله آن بلند نمود ... سپس خدای (عزوجل) او را گرامی داشت و امامت را در ذریه و نژاد برگزیده او نهاد ... سپس در ذریه برگزیده او به کسانی منتقل گردید که خداوند به آنها علم و ایمان داده است.

امامت بالاترین درجه حضرت ابراهیم علیه السلام؛

بسیار مناسب است که در این فراز از روایت کمی تأمل نماییم. امام رضا علیه السلام برای بیان شأن و مقام امامت می‌فرماید خداوند هنگامی ابراهیم علیه السلام را به مقام امامت نائل فرمود که او مرحله نبوت و خلت را پس از گذشتن از آزمونهای سخت پشت سر گذاشت.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: حضرت ابراهیم نخست به نبوت مبعوث گردید و باطن و واقع اشیاء را مشاهده نمود.

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾^(۱).

و بدین سان ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم علیه السلام می‌نمایانیم تا از اصحاب یقین گردد.

۱-سوره انعام، آیه ۷۵.

سپس به مقام خلیل الهی دست یافت و پس از طی این دو مرحله به مقام امامت مشرف شد.

امام رضا علیه السلام در این روایت واژه مشرف شدن را فقط در رابطه با امامت بکار می‌برند و این نشان از علو مقام و درجه امامت نسبت به مقام و مناصب دیگر می‌باشد.

به طور خلاصه حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام امامت مشرف شد و این مقام موجب پر آوازه گردیدن نام و تحکیم جایگاه او گردید و در نهایت خداوند متعال این مقام را در برخی از برگزیدگان از فرزندان وی قرار داد. در ادامه روایت، امام رضا علیه السلام سیر انتقال امامت از حضرت ابراهیم علیه السلام به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و از ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام را بیان می‌فرماید:

... إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ ، إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلافةُ اللَّهِ وَخِلافةُ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله و سلم وَمَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَمِيرَاثُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیهما السلام ؛

به راستی امامت مقام انبیاء و ارث اوصیاء است، امامت خلافت از طرف خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفِرْعَةُ السَّامِي ، بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرُ الْفِيءِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعُ الثُّغُورِ وَالْأَطْرَافِ ؛

به راستی امامت زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است، امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه با برکت آن است. به یمن وجود امام علیه السلام نماز و روزه و زکات و حج و جهاد درست می شوند، غنیمت و صدقات بسیار می گردند، حدود و احکام اجرا می شوند، مرزها و نواحی کشور مصون می شوند.

ولایت تشریحی ائمه اطهار علیهم السلام؛

در این قسمت از روایت امام رضا علیه السلام به ولایت تشریحی ائمه اطهار علیهم السلام اشاره می کنند و بیان می فرمایند که امام علیه السلام همانند نخی است که تمام دانه های تسبیح را نگه داشته است؛ سپس می فرمایند، امامت ریشه درخت تنومند اسلام و میوه و ثمره آن می باشد، به عبارت دیگر میوه هدایت امامت بر شاخسار درخت نبوت می روید.

... الإمام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم وهي في الأفق بحيث لا تنالها الأيدي والأبصار، الإمام البدر المنير والسراج الزاهر والنور الساطع والنجم الهادي في غياهب الدجى وأجواز البلدان والقفار ولجج البحار، الإمام الماء العذب على الظما والدال على الهدى والمنجي من الردى، الإمام الثار على اليفاع، الحار لمن اصطلى به والدليل في المهالك من فارقه فهالك؛

امام علیه السلام مانند آفتاب در عالم طلوع می کند، و برافق قرار می گیرد و دست و دیده مردم به آن نمی رسد. امام علیه السلام ماه تابنده، چراغ فروزنده،

نور برافروخته و ستاره راهنما در تاریکی شبها و بیابانهای تنها و گرداب دریاهاست. امام علیه السلام آب گورائی است برای تشنگان، رهبر به حق و نجات بخش از نابودی است. امام علیه السلام چون آتشی است بر مناره و حرارتی است برای سرما زدگان و دلیلی است در تاریکی ها، که هر کس از آن جدا شود نابود و هلاک می گردد.

ولایت تکوینی حضرات معصومین علیهم السلام؛

در این فراز از روایت امام رضا علیه السلام بر حیثیت ولایت تکوینی ائمه اطهار علیهم السلام اشاره می کنند و با تشبیهات بسیار زیبا و تشبیهات معقول به محسوس مطالب عرشی را به اندازه فهم ما بیان می کنند. ایشان امام علیه السلام را همچون خورشیدی توصیف می نمایند که همه جا را روشن می کند و قوای پنهان زمین را به فعلیت می رساند؛ آفتابی که به همه عالم می تابد و تمام مخلوقات و موجودات از نور و حرارت آن بهره مند می گردند.

تابش خورشید نیروهای بالقوه معادن را به فعلیت می رساند. هر معدنی که بیشتر و بهتر در معرض تابش خورشید قرار گیرد، ارزشمندتر و گرانبهرتر خواهد شد، بی جهت یک سنگ، طلا، نقره و ... نمی شود، باید قرنهای و سالهای متمادی از خورشید بهره گیرند تا به فعلیت برسند و قابل استفاده گردند.

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

بنا به فرموده امام علیه السلام انسانها همانند معادن می باشند و باید در معرض

نور امامت و ولایت قرار بگیرند تا قدرتها و نیروهای بالقوه آنان به منصفه ظهور
برسد. اگر تابش نور ولایت و امامت، ارواح انسانها را نوازش کند و بر قلبهای آنان
بتابد، اندرون انسانها همچون گوهری تابناک می‌گردد.

در تشبیهی دیگر امام رضا علیه السلام ائمه اطهار علیهم السلام را به ستاره درخشان
توصیف می‌کنند که در بیابانهای تاریک و دریاها، انسانها را از گمراهی نجات
می‌دهند^(۱).

در توصیفی دیگر، امام رضا علیه السلام ائمه اطهار علیهم السلام را به آتش روی مناره
تشبیه می‌کنند که موجب هدایت در راه ماندگان می‌گردند^(۲).

... الإمام واحد دهره لا یدانیه أحد ولا یعادلہ عالم ولا یوجد منه بدل ولا
له مثل ولا نظیر، مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له ولا اکتساب،
بل اختصاص من المفضل الوهاب فمن ذا الذی یبلغ معرفه الإمام أو یمکنه
اختیاره؛

امام علیه السلام یگانه روزگاران خود است، کسی با او برابر نیست و
دانشمندی با او همسنگ نیست [جهان با او همسان نیست]،
جایگزین، مانند و نظیر ندارد، بدون تحصیل و درخواست فضل، از
طرف مفضل منان این فضیلتها به او اختصاص داده شده است. کیست
که به حق شناسایی امام علیه السلام برسد؟ یا بتواند او را انتخاب کند؟

۱- در گذشته انسانها بوسیله ستارگان راه را تشخیص می‌دادند، و می‌توان از روی ستاره
جدی قبله را پیدا کرد.

۲- در گذشته در هنگام شب در شهرها بر روی مناره‌ها آتش بر می‌افروختند تا کاروانها راه را
تشخیص دهند و بتوانند سریعتر خود را به شهر برسانند.

ائمه اطهار عليهم السلام در ارای همه فضایل :

همه فضایل از آن خداوند است، و خداوند متعال همه فضایل را به ائمه اطهار عليهم السلام عطا فرموده است. دانش، بینش، قدرت، عزت، کمال، جمال و دیگر فضایل را خداوند متان بدون کوشش و تلاش به حضرات معصومین عليهم السلام ارزانی داشته است. اما متأسفانه برخی که هیچ فضیلتی ندارند بلکه سرشار از رذیلت هستند این جایگاه والا و بالا را غصب کردند. آنان حتی نمی توانستند به پرسشهای ساده مراجعین پاسخ بدهند و در گِل می ماندند و همواره دست به دامن امیرالمؤمنین علیه السلام می شدند و شگفت از پیروان آنان که فضایل ائمه اطهار عليهم السلام را می دیدند اما باز هم بر عناد و لجاجت خود پای می فشردند.

هیئات هیئات! ضلّت العقول و تاهت الحلوم و حارت الألباب و خست العیون و تصاغر العظماء و تحیرت الحکماء و تقاصرت الحلماء و حصرت الخطباء و جهلت الالبناء و کلت الشعراء و عجزت الادباء و عیبت البلغاء عن وصف شأن من شأنه أو فضیلة من فضائله و أقرت بالعجز و التفصیر»^(۱).

هیئات هیئات! خردها درباره اش گمراهند و خاطرها ناپیدا، عقلها سرگردان و چشمها بی دید، بزرگان در این جا کوچکنند و حکیمان در حیرت و برد باران بی شکیب و هوشمندان گیج و نادان و شعرا لال و گنگ و ادباء درمانده و سخندانان بی زبان می شوند و شرح یک

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۱۹۹.

مقامش نتوانند و وصف یکی از فضایلش ندانند همه به عجز و کوتاهی خود معترف‌اند.

این روایت مفصل را به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به بحث عدالت صحابه مطرح نمودیم، ضرورت بیان این روایت در جلسه بعد روشن می‌گردد. به عنوان نمونه‌ای دیگر از عظمت شأن و مقام ائمه اطهار علیهم‌السلام به این روایت توجه بفرمایید:

جابر بن یزید جعفی رضی الله عنه می‌گوید: هجده سال در خدمت امام باقر علیه‌السلام بودم، هنگامی که می‌خواستیم از حضور ایشان مرخص شوم به ایشان عرض نمودم «به من نصیحتی بنمایید» ایشان فرمودند: «آیا پس از هجده سال باز هم نصیحت می‌خواهی؟» و من در پاسخ عرض کردم:

«نعم! إنکم بحر لا ینزف ولا یبلغ قعره»^(۱).

آری! شما، اقیانوس بی کرانی هستید که ساحل و عمق آن ناپیدا است. ما به عنوان یک فرقه از فرق اسلامی معتقد به امامان دوازده گانه علیهم‌السلام هستیم که نخستین آنها امیرالمؤمنین علیه‌السلام و آخرین آنها حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف می‌باشد، و بر این نظر هستیم که حضرات معصومین علیهم‌السلام با انتخاب خداوند سبحان، به مقام امامت رسیده‌اند و در رابطه با شأن و جایگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام بیانات ثامن الحجج علیه‌السلام را که در این جلسه بیان نمودیم، بدون هیچ کم و کاستی می‌پذیریم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- امالی شیخ طوسی رضی الله عنه، صفحه ۲۹۶.

خود آزمایی :

- ① چه نتایجی بر مسأله عدالت صحابه مترتب می‌شود؟
- ② آیا می‌توان شهادت همه صحابه را پذیرفت؟
- ③ چرا قائلان عدالت صحابه، از پذیرفتن شهادت صحابه در رابطه با امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر طفره می‌روند؟
- ④ آیا می‌توان احادیث صحابه را بدون بررسی پذیرفت؟
- ⑤ لوازم افعال خلاف شرع صحابه چیست؟
- ⑥ از آیه ۲۴ سوره سجده در رابطه با امامت به چه نتایجی می‌توان دست یافت؟
- ⑦ امام رضا علیه السلام در رابطه با جامعیت قرآن چه می‌فرمایند؟
- ⑧ حضرت ابراهیم علیه السلام پس از طی چه مراحل به امامت رسیدند؟
- ⑨ امام رضا علیه السلام ائمه اطهار علیهم السلام را به چه امور تشبیه می‌فرمایند؟
- ⑩ جابر رضی الله عنه هنگام خدا حافظی به امام باقر علیه السلام چه عرض می‌نماید؟

امامت همچون اقیانوس بی کرانی
است که انتها و عمق آن برای ما روشن
نیست می باشد، و هر چه در آن حرکت
کنیم عظمت و گستردگی آن بیشتر ما را به
وحشت می افکند و هر چه در اعماق آن
غور کنیم در می یابیم که هرگز نمی توانیم به
عمق آن دست یابیم.
(صفحه ۱۱ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۲۸

۲